

پرورش ارادہ

○ مظهر شخصیت

○ بیمار پرسی ارادہ

مظهر شخصیت

در موجودات جاندار ، اعم از گیاه و حیوان ، تربیت یکی از عوامل اصیل تکامل شمرده شدہ است ، پاک گل زیبای بیابانی یا تمام اطراف و زبانی ہائش چون خود رو رشد سووہ از تربیت بہرہ منداری ، بلور مسلم نواقص بہمراہ خواهد داشت ، و حال آنکہ در صورت پر خور - دار میاز پرورش ، کمالاتش افزایش یافتہ ، ارزانیاتی برکنار خواهد ماند .

روحیات ما انسانها آنها کہ جز صفات پسندیدہ محسوب میشوند ، مانند ارادہ اگر از اصل پرورش پر خود دار نباشد ، دچار نواقص خواهد بود ، زاین تعلیم و تربیت است کہ میتواند اصلاحات روحی را ازین بریدہ ، آنها را تبدیل نماید . مطالعہ حریانات زندگی در گذشتہ آشکار میسازد کہ در مواردی بحولانہ تصمیم گرفتہ ، دنبال کاری رفتہ ایم ، و یادار اوقات دیگری بجای مرحلہ اجراء عمل ، بتفکرات وسواسی پرداختہ ، از مرحلہ عمل دور ماندہ ایم ، و در مردود و شکستہائی نصیب ما شدہ است ، پس شرط کامیابی آنست کہ بخوبی نیروی ارادہ را شناختہ در پرورش آن کوشا باشیم .

روانشناسان ہر چہ جنبہ توجه بہ سوی هدفی داشته باشد - بلور سہ بستہ بنام افعال می - خوانند ، و بلور معمول در فعلی از چندین حرکت تشکیل مییابد ، و با قطع نظر از جنبہ ساده موجودات یا سلولئی ، سایر حرکات را بچہاردستہ تقسیم مینمایند ، و کاملترین فرد این چہاردستہ را حرکت ارادی میدانند .

ژان ژالٹروسو در کتاب امیل صریحاً توضیح مینکند کہ بکودک « هیچ عادتئی دادہ نشود مگر این عادت کہ بہ بیچ چیز عادت نکنند » .

چہ ، هدف تربیت اینست کہ ارادہ هائی درست کند قوی کہ بتوانند در مواقع مختلف متناسب با مقتضیات تصمیم گرفتہ عمل کنند ، نہ اینکه شخص را زیر اسارت بندگی فرمانبرمائی

نابینا که اسبق عادت است در آورد .

نیروی اراده قوه بزرگی است که هر کاری را که انسان بخواهد سهل و آسان میکند . معروف است انسان همان است که خودش میخواهد .

کانت میگوید : انسان هر اندازه عادتش زیادتر باشد استقلال و آزادیش کمتر است . عقیده او اینست که عادت مقدمه فکری و آزادی عمل را از میان برده ، آنرا خود بخود میسازد ، و انسان را مانند ماشینی آلت اجرای حرکاتی معین نموده ، و روح ابتکار و حسن استولیت را در او می کشد . روانشناسان به دل اراده را مظهر شخصیت میدانند ، زیرا هر کس در مقابل پیش آمدن مراحلی بنده خیره ذهنی شود کرده ، از محاربت گذشته الهام یافته ، بیاری آنها تصمیم میگیرد ، این تصمیم در عزم که از عمق هستی معنوی هر کس بیرون بیاید ، تنها مربوط به عوامل مؤثر آن نیست ، بلکه تمثلی بخود انسان داشته و شخصی است .

شاید بسیاری از افراد تصور کنند که دارای اراده قوی هستند ، و حال آنکه با مطالعه سبق آشکار میسازد که نوع افراد اراده صفتی هستند ، و قطعاً نادری یافت میشوند که دارای اراده آهنین و خصل ناپذیری میباشند .

بیماریهای اراده

در شرح این موضوع باید گفت ، اراده ای که از عموماً افراد صادر میگردد ، بیشتر اوقات ایحراقی است ، اراده دارای هر اصل چهارگانه است که باید باغنازه از وی آن سهیلت رعایت گردد ، و کوچکترین مسامحه در مقدمات اراده ممکن است عامل انحراق بوده ، زبان بعضی باشد ، مثلاً عصبانیت در اتخاذ تصمیم دچار وسوسه و تردید میگردد ، زمانی که باید برای تأمل در نظر گرفته شود ، پیش از حد لازم رعایت نمیشود ، در نتیجه این گونه افراد دچار وسوسه و خیالات واهی شده ، از گرفتن تصمیم باز میمانند ، و اگر در مدت عمر کارهای را انجام میدهند همه نومأماً دلهیره و اضطراب بوده است . همه از عفت شهر عشق میگذرند ، و اینگونه افراد در خم پلنگ کویچه میمانند .

این گونه افراد از انجام هر کار مهمی که باعث پیشرفت تکاملشان است باز میمانند ، در برابر این عده گروه دیگری وجود دارند که دچار یک نوع انحراف شتابزدگی میباشند این اشخاص در اتخاذ هر نوع تصمیمی بر عطافه و دقت فوراً تصمیم میگیرند ، زود اراده کرده ، زود عزم پشیمان میگردند ، عیب این عده اینست که هیچ و بیفکر بوده هیچ نوع تفکر و تأملی در کارشان وجود ندارد .

علی علیه السلام میفرماید : **عليك بالترك فانه رند من الضلال و المصلح**

الاعمال ، یعنی بفکر و تأمل خود کن زیرا از کمر ای ترا نجات داده ، و کردار تو را سامان می بخشد ، و در مورد دیگری میفرماید : **والعجول مخطیء ، و ان ملكه ، بشر شتاب کننده در کارها خطا کار است ، اگر چه تمام آن کار درست او باشد .**

روی همین اصل روانشناسان در تفهیم معنی از امراض اراده سخن رانده ، و ناقص آنرا آشکار نموده اند ، و همین کندروی و روح نردید را جزو امراض اراده قلمداد نموده اند . اصل مهمی که باید مورد نظر مریبان قرار گیرد ، این نکته است که باید سعی کنند اطفال را بطوری تربیت کنند که هر کاری را و بسیار کوچک از آنها سر میزند ، بسوی خود نیروی تأمل و تفکر باشد ، تا کودک ، خود را برای گرفتن هر نوع تصمیم داده در مسائل اساس و بزرگی آماده تر سازد .

کودکانی که همیشه بدستور اولیا خود شری و انبیا میمانند ، هیچگاه دستگاه فکری و عقل آنان بکار نمی افتند ، پس از مدتی که مجبور میگردند بر اساس فعالیت شخصی خود زنده گی کنند ، فاقد هر نوع ابتکار و قدرتی بوده ، بر حل مشکلات توانا نخواهند بود .

همانطور که باید کودکان را از اندیشه و تفکر زیاد باز داشت ، چند اثر مضارست بر این کار ، کم کم روح شکاکی و محافظه کاری افراطی در آنان بوجود میاید ، باید با آنها شایسته تان ساختن کاپس از تأمل لادم ، باید زود تصمیم گرفته ، بعمل بپردازند و قاطعیت یافته باشند .

ناگفته نماند که شجاعت و سرعت در اتخاذ تصمیم در همه جا ، خاصه در موارد مشکل امری است بسیار بیکر ، و همچنین پایداری و استواری یکی دیگر از کمالات انسانی است .

شجاعت در اتخاذ تصمیم تا حدودی مربوط به حالت مزاجی و استعداد بدنی است ، کسانی که جسماً قویترند ، با اراده تر و فدا تر میباشند ، زیرا کسی که سالم نیست از تصور کارهای بزرگی که قیمت میخواند و کوشش و استقامت زیاد لازم دارد ، بوحشت می افتد ، و هر چند موضوع مورد علاقه او باشد ، باز از گرفتن تصمیم خالی میکند ، و اگر تصمیم بگیرد ، در ضمن اجرای آن ، کوشش و معاهده را فوق طاقت خود نیافته ، آن را بیه کازه خواهد گذاشت ، و فسخ عزیمت خواهد نمود .

بنابراین لازم است ، پیش از تربیت اطفال بزرگ توجه مخصوص به جدول داشت ، البته منظور اینست که به تناسب استعداد بدنی و خصوصیات مزاجی خود ، بوردتهائی وارد شده کم کم دارای صفات قوی و عصبانیت محکم بشوند ، چه پیش از این امر در جنگونگی روحیات ، و در کیفیت افعال ارادی تأثیر کلی خواهد بخشید .